

Անի Շարաթարթեր

۲۸ فروردین ۱۴۰۳

مجله ادبی آنی

<http://aniletters.com>

چهل و یکمین شماره



در این شماره خواهید خواند:

- نمونه های کهن الگوها در ادبیات
- تاریخ پیش از سینما
- قنادی مینیون مسافری از اکرین!
- چه پیچیدگی هایی برای نگارش آثار کمال ایرانی وجود دارد؟
- سهم سوفوکلس در پیشرفت نمایش یونانی کدام است؟
- کهن ترین شکل حکومت
- "از بین معاصرین شما (لویی سلین)، آیا کسی هست که علاقه و توجه شما را برانگیزد؟"

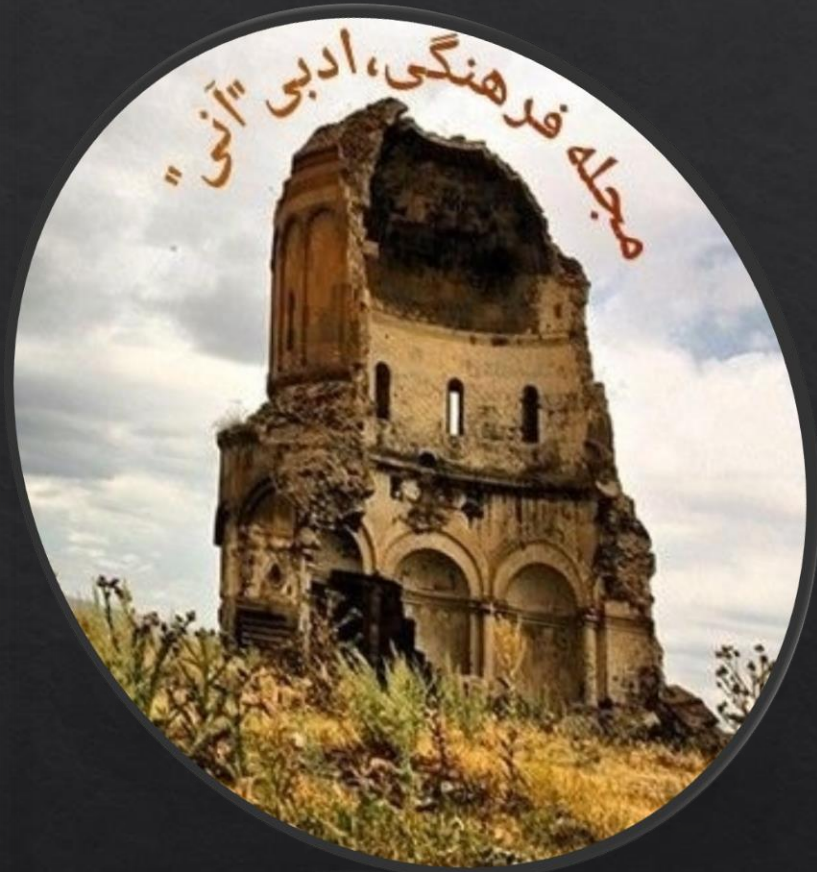
Խաչիկ Խաչեր

Հայկական սփիւռք

Contemporary British Poetry



مجله فرهنگی، ادبی "آنی"





# فهرست

- .....مقدمه
- .....بزرگان شعر
- .....ادبیات ارمنی
- .....ادبیات جهان
- .....ادبیات ایران
- .....شعر شاعران
- .....تبلیغات
- .....حکایت
- .....موسیقی
- .....بهداشت دهان و دندان
- .....مصاحبه

دسته بندی موضوعی: ادبیات  
دوره انتشار: هفته نامه  
مدیر مسئول: آنیتا-آرزومانیان  
شماره: چهل و یکم

طراح وبسایت: داوود محمد کیا

@Esher. Official

پست الکترونیکی:

[www.ani.arzoomanian@yahoo.com](mailto:www.ani.arzoomanian@yahoo.com)

تلگرام:

[t.me/anisettes](https://t.me/anisettes)

اینستاگرام:

[@anita\\_arzoomanian](https://www.instagram.com/anita_arzoomanian)

وب سایت:

[www.ani\\_letters.com](http://www.ani_letters.com)

[www.anipoetry.ir](http://www.anipoetry.ir)



## تبلیغات

### ادوین آرزومانیان

خرید، فروش و تعمیرات تخصصی لپ  
تاپ و قطعات.  
شماره تماس:

۰۹۱۰۱۴۴۹۹۶۶

### دکتر بهزاد هوشمند

متخصص و جراح بیماری های لثه و  
ایمپلنت

22019366

22019073

### آلبرت آرستاگس یانس

قلم زنی دستی سبک تبریزی روی فلزات  
گرانبها، ساخت و تعمیر انواع ظروف و زیور  
آلات.

جهت سفارش با شماره تلفن زیر تماس حاصل  
فرمایید.

۰۹۱۹۰۲۶۶۵۵۲

### قلم زنی و نقره سازی ادوارد

ساخت انواع منسوجات نقره  
جهت سفارش با شماره تلفن های زیر  
تماس حاصل فرمایید.

66710039

09195088536

- پلاتو فیزیکیال تئاتر اریال یوگا و نمایش
- استودیوی ضبط موسیقی و آهنگسازی
- مجهز به فضای باز مجزا

محدوده کریمخان  
تلفن تماس:

۰۹۳۶۹۲۷۵۲۲۸

جناب آقای علی دماوندی



## تجربه حس خوب با اریال یوگا

کالری سوزی بین ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ کالری

افزایش انعطاف پذیری بدن

از بین بردن گرفتگی عضلات

تسکین فشارهای مفاصل و ستون فقرات

تقویت عضلات شکم، پهلو و کمر

افزایش حس حضور در محیط

آزاد کردن اندورفین

افزایش تعادل



mirela\_\_art

Let's relax with  
**MI RE LA**

کریم خان

۰۹۳۶۹۲۷۵۲۲۸



@mirela\_\_art

مدرس انجمن فوشنویسان ایران  
فطاط: علی ملک

در آن گلزار شکر قدمی که دست  
الست

و باد میبردش سوی سوره می پستی؟



Ali.malek.art

بیت حکیم  
در آن گلزار شکر  
قدمی که دست  
الست

Տեոդալիզմի ժամանակաշրջանում նոր զարգացում ապրեց «գուսանների» արվեստը, ինչպես նաև ի հայտ եկան «վարձակները»: Գուսանական երգերի մասին վկայում են 5-րդ դարի հայ պատմիչներ Ագաթանգեղոսը, Փավստոս Բյուզանդը, Մովսես Խորենացին, Եղիշեն և այլք: Ժողովրդական երգիչներ գուսանները երգերը կատարում էին հիմնականում խնջույքներին, հարսանիքներին և այլն:

301 թվականից հետո հայկական եկեղեցին հետապնդում էր գուսաններին: Սակայն, նույնիսկ եկեղեցական բարձր, անգամ բարձրագույն դասի մեջ կային մարդիկ, այդ թվում Հայոց կաթողիկոսի թոռները, որոնք կերուխում էին անում՝ իրենց սեղանակից դարձնելով գուսաններին, ինչպես նաև երգչուհիներին, պարուհիներին ու մարմնավաճառներին: Քրիստոնյա պատմիչ Փավստոս Բյուզանդը, ով ապրել է IV - V դարերում, նկարագրելով IV դարի իրադարձությունները, քամահրանքով գրել է.

«Մի անգամ նրանք Տարոնում էին՝ Աշտիշատ եկեղեցական ավանում, որտեղ առաջին անգամ եկեղեցի էր կառուցվել իրենց նախապապ Գրիգոր Լուսավորչի կողմից: Երկու եղբայրները՝ Պապը և Աթանագինեսը, ժամանեցին այդ գյուղ: Խիստ հարբած՝ նրանք սկսեցին ծաղրել աստծո տաճարը. երկու եղբայրները մտան եպիսկոպոսական հանգստավայր և սկսեցին այնտեղ գինի խմել մարմնավաճառների, երգչուհիների, պարուհիների, գուսանների հետ»:

## صد و نهمین سالگرد «کشتار ارمنه»

ارمنه ۲۴ آوریل هر سال را بعنوان روز «نسل کشی» در دوران حکومت عثمانی وقت تعیین کرده‌اند و یاد قربانیان این واقعه را گرامی می‌دارند. در بحبوحه جنگ جهانی اول در ۲۴ آوریل سال ۱۹۱۵ میلادی، نزدیک به ۳۰۰ نفر از روشنفکران و رهبران جامعه ارمنی‌های عثمانی دستگیر و از قسطنطنیه (استانبول فعلی) به منطقه آنکارا تبعید شدند. بسیاری از این افراد به دست نیروهای عثمانی به قتل رسیدند.

۲۹ کشور از جمله فرانسه، آلمان، هلند، بلژیک، اتریش، سوئیس و ایتالیا واقعه کشتار ارمنه را به عنوان یک واقعه تاریخی که منجر به «نسل کشی» ارمنه شد، به رسمیت می‌شناسند.



دولت‌های ترکیه بر پایه سیاست‌های پان‌تورانیسم و به منظور ادامه سیاست قتل‌عام و نسل‌کشی فیزیکی ملت ارمنی شروع به تحریف و تغییر اسامی مکان‌ها در ارمنستان غربی کردند. می‌توان شروع این روند را از ۱۸۷۸ میلادی و پس از عقد معاهده سان استفانودانست.

در ماده ۱۶ این معاهده از ارمنستان و شش ولایت ارمنی ترکیه یاد شده اما پس از آن، در پیمان برلین (۱۸۷۸)، بند ۶۱، که به ارمنستان اختصاص داده شده، کلمه ارمنستان حذف و فقط نام استان‌های ارمنی‌نشین ذکر شده‌است. حکومت‌های ترکیه به این نیز بسنده نکردند و به جای ارمنستان غربی کلمه ترکیه شرقی یا کردستان را رواج دادند. بدین ترتیب، در ۱۸۷۸ میلادی، حکومت ترکیه با ارسال تلگراف‌های محرمانه برای استاندارهای خود آن‌ها را از کاربرد کلمه ارمنستان در مکاتبات خود منع کرد و همچنین در مطبوعات نیز استفاده از کلمه ارمنستان ممنوع شد. پیگیری این مسئله از سوی حکومت عثمانی در ۱۸۹۰ میلادی عمق بیشتری یافت؛ زمانی که حکومت‌های ترک در صدد برنامه‌ریزی گشتار و نسل‌کشی ارمنیان بودند. در ۲۶ ژانویه ۱۹۱۴ میلادی، در توافقنامه‌ای که بین روسیه و حکومت ترکیه به امضا می‌رسد و در اثر فشار حکومت ترک‌های جوان به روسیه، عنوان ناحیه آناتولی شرقی جایگزین ارمنستان می‌شود.



## آرکی تایپ (کهن الگو) در ادبیات فارسی

از آن جایی که آرکی تایپ ها به عنوان «ناخود آگاه جمعی» بشر قلمداد می شوند؛ نمی توان آن ها را متعلق به یک قوم یا ملتی دانست. از همین روست که در بررسی آن می توان دریافت که در بیشتر ملت ها مشترکاتی در این زمینه وجود دارد، که آن ها را به هم پیوند می دهد. کشور ایران با پیشینه ی چند هزار ساله از جمله کشورهایی است که داستان ها و قصه های گوناگونی از دیرباز در اندیشه ی مرمانش نقش بسته ،از نسلی به نسل بعد منتقل شده ودر آثار نویسندگان و شاعران نسل های بعد نمودار گشته است. همین ها ست که ذهن بشر امروز را به آن روزگاران کهن معطوف می دارد ودر ژرفای اندیشه ی آن ها فرو می برد تا شاید این ارتباط کهن ذهنی انسانی را دریابد.

« آرکی تایپ بر گرفته از واژه ی «آرکه تیپوس» ( Archetypos ) است. این واژه در زبان یونانی به معنی مدل یا الگویی بوده است که چیزی را از روی آن می ساختند. مترجمان فارسی زبان ،معادل های مختلفی چون :صورت ازلی، کهن الگو، صورت نوعی ،نهادینه و سرنمون را برای این واژه پیشنهاد داده اند.»<sup>۱</sup>

منشأ آرکی تایپ:

«جیمز فریزر،مردم شناس انگلیسی در کتاب "شاخه ی زرین"؛ "آرکی

## ذوالفقار شروانی

سده هفتم هجری یکی از دوران بسیار پیچیده با فراز و فرودهای بسیار برای تاریخ، فرهنگ و تمدن این مرز و بوم بود از یک طرف هجوم مغولان به ایران و خرابی‌های برجای مانده از این جنگ و نابودی بسیاری از مراکز علمی و کوچ بسیاری از شاعران و از طرف دیگر منشأ ظهور وزرا و دانشمندانی چون عطاملک جوینی و برادرش و خواجه نصیرالدین طوسی و ابن العلقمی و ابن ابی الحدید و ... بود. این دوره برای ظهور نوابغ ادبیات هم یکی از بهترین دوران تاریخ ایران به شمار می رود در این دوره شاعرانی ظهور کردند که علاقه بسیاری به ائمه (ع) داشتند و با اشعار خود موجب تقویت، ظهور و بروز مذهب شیعه اثنی عشری شدند، یکی از این شاعران سترگ سید قوام‌الدین حسین بن صدرالدین علی شروانی بود که در ادامه به معرفی وی می پردازیم:

سید قوام‌الدین حسین بن صدرالدین علی شروانی متخلص به ذوالفقار که لقب ملک الشعرا نیز داشته از شعرای قرن هفتم هجری بوده و او را واضع شعر مصنوعی می‌دانند سال وفات وی را ۶۶۹ هجری شمسی نوشته‌اند. وی در مقبره الشعرا تبریز به خاک سپرده شده‌است.

## Pamela Gillilan

Pamela Gillilan was born on 24 November 1918 in Finchley in North London. Her parents were teachers. After school, she joined the civil service, and as a young woman, wrote some poetry and fiction. During the Second World War, she was a meteorologist with the Women's Auxiliary Air Force for RAF Bomber Command in Yorkshire. In 1948, she married David Gillilan. The couple moved to Cornwall, buying and restoring Kilmar House, a derelict Grade II listed house in Liskeard, in 1956. They ran an interior design and furniture restoration business there for many years.

David Gillilan died in 1974. Having written nothing for twenty-five years, Pamela Gillilan now returned to writing poetry.[2] In 1979, her poem "Come Away", an elegy on the death of her husband, won the Cheltenham Festival poetry competition. She was a Poetry Society prize-winner in 1980 and 1981. That Winter (1986), collecting elegies to her husband,[3] was shortlisted for the Commonwealth Poetry Prize.

She moved to Bristol,[2] and taught creative writing at Bristol University and the University of the Third Age. She died on 26 October 2001.



## Дуглас, Альфред

Лорд Альфред Брюс Дуглас (англ. Lord Alfred Bruce Douglas; 22 октября 1870 года, Вустершир, Англия — 20 марта 1945 года, Лансинг, Западный Суссекс, Англия) — английский поэт и переводчик, лорд, наиболее известен как близкий друг и любовник Оскара Уайльда.

Большая часть ранней поэзии Дугласа была «уранической» по тематике, хотя позже он дистанцировался и от влияния Уайльда, и от своей собственной роли «уранического» поэта.



# Խ Ա Չ Ի Կ Խ Ա Չ Ե Ր

Ծնել է Թեհրանում, 1946 թ. յունևարի 11 ին: Տկն. Էլսիկի մանկապարտեզից յետոյ, Դանայի դւպրոցում սովորել է առաջին դասարանում, այնուհետեւ մինչեւ տարրականի աւարտը սովորել է Արաքս դպրոցում:

Միջնակարգը սովորել է «Քուշեշ Դաւթեան» դպրոցում, այնուհետեւ անցել է ժամանակի արեւմտեան Գերմանիա եւ ուսանել Ախեն Քաղաքի թեքնիք համալսարանում: Ստացել է 2 մագիստրոսի աստիճաններ Էլեկտրոնիկի եւ ճարտարարւեստական, Տնտեսութեան (Management) ի մէջ: 1978-ից վերադարձել է Իրան եւ աշխատում է որպէս Project Manager/Engineer. Մասնագիտացած է Control and Instrumentation-ի մէջ: Առաջին գրական փորձերն սկսել է տեղական մամուլում եւ շուտով " " اطلاعات كودكان տարածուած մանկական շաբաթաթերթը հրատարակել է նրա պարսկերէնով գրած "Նա դեռ ողջ է" պատմւածքը:

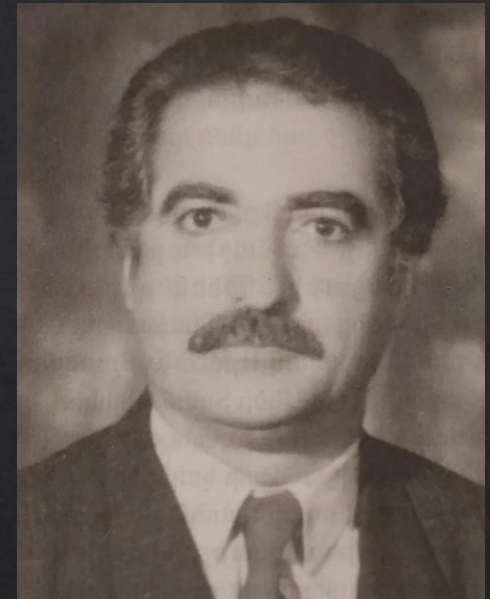
Գերմանիայում աշխատակցել է գերմանական մամուլի հետ ու թարգմանու թիւններ եւ սեփական գրւածքներ է տպագրել գերմանական մամուլում: (Նաեւ լայն տարածում ունեցող Sued Deutsche Zeitung-ում):

Առաջին գիրքը տպագրել է 1982 թ.-ին: Այն բանաստեղծութիւնների փորձ է եւ կոչւում է «Անտարբերութիւն»:

Հիմնադիրներից է «Թեհրանահայ գրական շրջանակ» ի որտեղ իրար շուրջ էին հաւաքւում Թեհրանահայ մի քանի գրողներ, «Գրական շրջանակ»ի հրատարակած երեք գրքերի «Հանդիպում 1,2 եւ 3» գրքերի խմբագիրներից է:

1996-ին Երեւանում Դաւիթ Գասպարեանի խմբագրութեամբ հրատարակել է պարսկերէն ժամանակակից Պատմւածքների ժողովածու որը կրում է խորհրդանշական «Մետաքսի ճամբան» անունը:

Գրքում տեղ են գտել 32 իրանցի գրողներ, իւրաքանչիւրից մէկ պատմւածք եւ կենսագրական: 1997-ին դարձեալ Երեւանում, այս անգամ Լեւոն Անանեանի խմբագրութեամբ հրատարակել է իր պատմւածքների ժողովածուն, որը կոչել է «Թափանցիկ մարդիկ»: 2002 թ. Երեւանում հրատարակել է «Կարմիր փողկապով մարդ» գրքոյկը, որտեղ տեղ են գտել 4 պարսկերէն պատմւածքների թարգմանութիւններ: Հրատարակութեան համար պատրաստ են «55+1 իրանական ժողովրդական հեքիաթներ» եւ «20-րդ դարի գերմանական պատմւածքը» ժողովածուները: Հրատարակութեան պատրաստ է նաեւ Խաչերի պարսկերէնով գրած պատմւածքների ժողովածուն: 2002 թ. Իրանահայ գրողների կողմից մասնակցել է Հայաստանում կազմակերպւած Աշխարհի Հայ Գրողների Համագումարին որպէս իրանահայ գրողների խմբի ղեկավար: 2002 թ. Նոյեմբերից որպէս աւագ ճարտարագէտ աշխատակցում է Honda-ի կազմակերպութեան հետ եւ մէկ տարով փոխադրել Հարաւային Կորեայի մայրաքաղաք Սեուլ: Աշխատակցել է նաեւ հայ մամուլին Հայաստանում եւ սփիւռքում:



# Gustavo Botta

Gustavo Botta (Milano, 25 gennaio 1880 – Ternate, 27 ottobre 1948) è stato un traduttore, poeta e critico letterario italiano.

Esperto di letteratura francese, in particolare simbolista e decadente, tradusse autori come Paul Claudel e Maurice de Guérin.

Risentì nella sua formazione anche degli studi di Benedetto Croce e delle poetiche di Gabriele D'Annunzio e di Giovanni Pascoli; ciò non gli impedì di avvicinarsi ad autori d'avanguardia come Gian Pietro Lucini e Filippo Tommaso Marinetti.

Benedetto Croce si avvale della sua preparazione per uno studio su Rimbaud e sui simbolisti francesi.



## ادبیات جهان

و تا پایان عمر به نویسندگی ادامه میدهد. سوفوکلس در مسابقات آتن بیست و چهار پیروزی، در حد مقام اول و دوم، به دست می آورد. او به عنوان یکی از ده فرمانده آتنی هم برگزیده میشود. به طوری که روایت کرده اند پایان سوفوکلس، با محاکمه ای که پسرانش بر ضد وی ترتیب می دهند، تلخ و ناگوار می گذرد. او سرانجام در اتن دیده از جهان فرو می بندد.

سهم سوفوکلس در پیشرفت نمایش یونانی عبارت است از: الف) نقاشی صحنه؛ ب) کاستن از اهمیت گروه همسرایان و ثابت نگاهداشتن شمار آنها در حد پانزده تن؛ ج) افزودن سومین بازیگر؛ و د) کنار گذاشتن سبک نمایشنامه یه بخشی (تریلوژی) - و نوشتن تراژدی کامل. نزدیک به ۱۲۳ نمایشنامه را به سوفوکلس منسوب میدارند، اما تنها هفت تراژدی وی در دست است.

"آژاکس" (حدود ۴۴۵ ق.م). زمینه این تراژدی سقوط مردی است در نتیجه کبر و گستاخی. آژاکس که می بیند سلاح مورد نظرش، یعنی زره آخیلوس، در اختیار اودیسیئوس قرار می گیرد خشمگین میشود.

## ادبیات ارمنی

در زمان حمله قیصر آئورلیانوس (۲۷۳-۲۷۱ م) خسرو دوم پسر تیردا دوم به کمک رومی ها در بخش غربی ارمنستان بر تخت جلوس کرد. در سال ۲۹۷ م. نرسی شاه پارس علیه روم به جنگ دست زد لیکن از قیصر گالریوس شکست سختی خورد. در سال ۲۹۸ م تیرداد (معروف به تیرداد کبیر) پسر خسرو دوم که به روم پناهنده شده بود در ارمنستان بر تخت نشست و در همان سال در نتیجه پیمان منعقد شده بین ایران و روم، ارمنستان از انقیاد ساسانیان آزاد گردید و به تحت حمایتی روم درآمد.

### آغاز فتودالیسم در ارمنستان

قرن های سوم و چهارم میلادی دوران تغییرات بنیادی در روابط اجتماعی تاریخ جهان بود. خصلت ویژه ی این دوره گذرا از نظام کهنه برده داری به سمت مناسبات پیشرفته تر فتودالی در کشورهای آسیای نزدیک و سواحل مدیترانه بود. ارمنستان نه تنها میان کشورهای در حال گذار به سمت فتودالیسم غایب نبود بلکه در صف اول قرار داشت.

## ادبیات ایران

وصف سفر به قصد زیارت ممدوح که در آن شاعر مرکب خود را هم وصف میکند:

مکر، مفر، مقبل، مدبر، معا  
کجلمود صخر حطه السیل من عل      امر و القیس

یعنی: اسب من به جلو و عقب می رفت، روی می کرد و پشت می کرد. مانند صخره یی  
سترگ بود که سیلی گران آن را از فراز کوه به نشیب افکنده باشد.

همچنان سنگی که سیل آن را در اندازد ز کوه  
گاه ز آن سو گاه فراز و گاه باز      منوچهری

توصیف ممدوح که معمولاً با مبالغه همراه است.  
نمونه های آن در فارسی فراوان است.



## قنادی مینیون مسافری از اکراین!

ترافیک خیابان سعدی را که پشت سر بگذاری و از راسته کفاش‌ها که بگذری، نوشته متالیک روی شیشه توجّهت را به خود جلب می‌کند؛ «شکلات و شیرینی سرای مینیون»! در شیشه‌ای را که باز می‌کنی، زمان به عقب برمی‌گردد. انگار هنوز سال ۱۳۰۸ است، «اوسپ ترپوگوسیان» تازه از اکراین آمده و در قلب تهران، روایت تازه‌ای از مزه‌ها را تعریف کرده است.

## به ماشین زمان خوش آمدید!

اینجا کسی میانه‌ای با تغییر ندارد! همه چیز در این چهاردیواری، بوی تهران قدیم می‌دهد؛ حتی قهوه‌سازی که روزی در این خیابان، نماد مدرن شدن تهران بوده!

پشت یک میز چوبی قدیمی و صندوق فروشگاه، پیرمردی با لبخند نشسته. لئون، حسابدار قدیمی مینیون که از جوانی تا امروز پشت همین میز می‌نشسته، با لهجه شیرین ارمنی داستان سالهای دور را روایت می‌کند؛ سالهایی که از ناصر ملک مطیعی تا صادق هدایت، فنجان‌های قهوه‌شان را در اولین کافه قنادی تهران پر می‌کردند.

یابان برادران قانادی امروز و هدایت سابق، برخلاف آن سالها، حالا شلوغ و پرهممه است. از پشت شیشه که به بیرون نگاه کنی، نه اثری از درشکه‌ها می‌بینی و نه عابرهای آرام! انگار تنها نقطه آرام این خیابان، چهاردیواری همین قنادی است.

آقا لئون که از دوستان قدیمی خانواده ترپوگوسیان است، می‌گوید که اوسپ ترپوگوسیان و خانواده‌اش از اکراین به ایران آمدند و در یک مغازه اجاره‌ای نان‌های مکعبی، نان‌های بولکی ساندویچی و پیراشکی می‌فروختند. با تمام شدن جنگ جهانی دوم، نانوایی جایش را به قنادی داد و با وارد شدن دستگاه‌های شکلات‌سازی به ایران، تولید شکلات در کنار شیرینی‌ها شروع شد.

مینیون از اولین روزهای تولدش تا امروز، یک کسب و کار خانوادگی بوده و پس از اوسپ، سکان مدیریت این قنادی پرترفدار به فرزند ارشد یعنی انونیک و پس از او به روبن ترپوگوسیان رسیده است. روبن آخرین بازمانده از نسل اول خانواده ترپوگوسیان بود که با فوت او در اردیبهشت ۱۴۰۰، همسرش مسئولیت اداره قنادی را برعهده گرفته است.



## شعر شاعران

حضور افتخار آمیز استاد و شاعر گرانقدر سرکار خانم نیلوفر عنایت در مجله ادبی انی...

### بلبل شیدا

با این غرور نرگس رعنا به صحن باغ  
گویی به تخت و تاج؛ شه نورسیده است

این جا بهار لاله به پایان نمی رسد  
هر گوشه بنگری دل در خون تپیده است

ساغر گرفتن از کف ساقی به بانگ عدل  
رویای صبح و خواب پریشان دیده است

آخر به خاک افکندت از فراز خویش  
دنیا به زیر ران تو اسب رمیده است

نیلوفر! بشارت وصل نگار ما  
در تیره جسم مرده چو جان دمیده است

از فیض نوبهار جهان بزم چیده است  
دست نگار گرد رخ می کشیده است

دل از غمت چو یوسف جامه دریده است  
حیران حسن روی تو دست بریده است

از تیر راست پشت کمان منحنی تر است  
هر قامت خمیده ز قد کشیده است

در گوش غنچه بلبل شیدا چه خواند دوش  
چشمش ز اشک شوق ؛ گلاب چکیده است؟

#نیلوفر\_عنایت

## حضور پر افتخار استاد و شاعر بزرگوار جناب دکتر محمد فلاحی نسب در مجله ادبی آنی

مثل شال تو در آغوش جنون می رقصم

مثل بیدی که فراری شده از سیلی باد

یاغی ام بی خبر از خویش که چون می رقصم

سوگوارم ولی از پرده برون می رقصم

عقل یک سو کشد و عشق به سویی دیگر

گر چه با زخمه ناجور تو زخمی شده ام

در دگردیزی خاکستر و خون می رقصم

در هم آوازی تو کن فیکون می رقصم

از قیام الف قامت تو محروم

پرچم زلف تو افتاده در آغوش نسیم

بی تو با ناله نی نامه نون می رقصم

که چنین جن زده در دست جنون می رقصم

ناسروده ترم از ظلمت زلفت اما

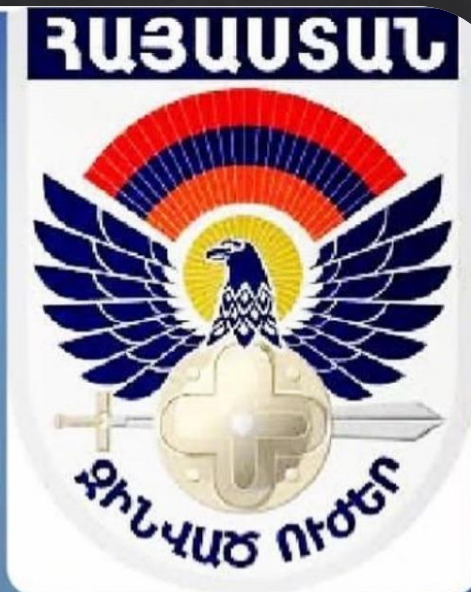
@falahe403محمد فلاحی نسب

در غل قاب تو مغلوب قرون می رقصم

## حضور افتخار امیز دکتر عباس اقبال مهران در مجله ادبی آنی

برای آن که بمانی  
تفنگ در دستم  
همیشه حافظ مرزت  
همیشه من هستم  
اگر تمام مرا تکه تکه هم بکنند  
دلیرانه و با اقتدار من هستم  
من از تمامی جانم ببین که بگذشتم  
نگاهبان حریم مقدست هستم  
و سبزی چمن را همیشه خواهم دید  
طراوت نفست را همیشه خواهم دید  
برای شادی قلبت، دلیر می میرم  
هزار دشمن مکاره را که پس بزنم  
برای آن که تو باشی همیشه در شادی  
من استوار و ایستاده می میرم

شاعر: عباس اقبال مهران  
مجموعه شعر سلام بر ارمنستان



# Addis Abeba

## di Mario Nurchis

Una larga e lunga strada  
ha sbaragliato  
capanne e piccole case  
di pali e fango.  
l'acqua scorre lurida  
nelle fogne  
e nel fiume.

Passi magri  
di poveri lebbrosi.

Bimbi laceri e petulanti  
sorriscono  
per uno spicciolo.

Un pastore  
di pecore invadenti  
dorme sfinito  
sull'erba  
del salvagente.

Ma si va  
Si corre via!

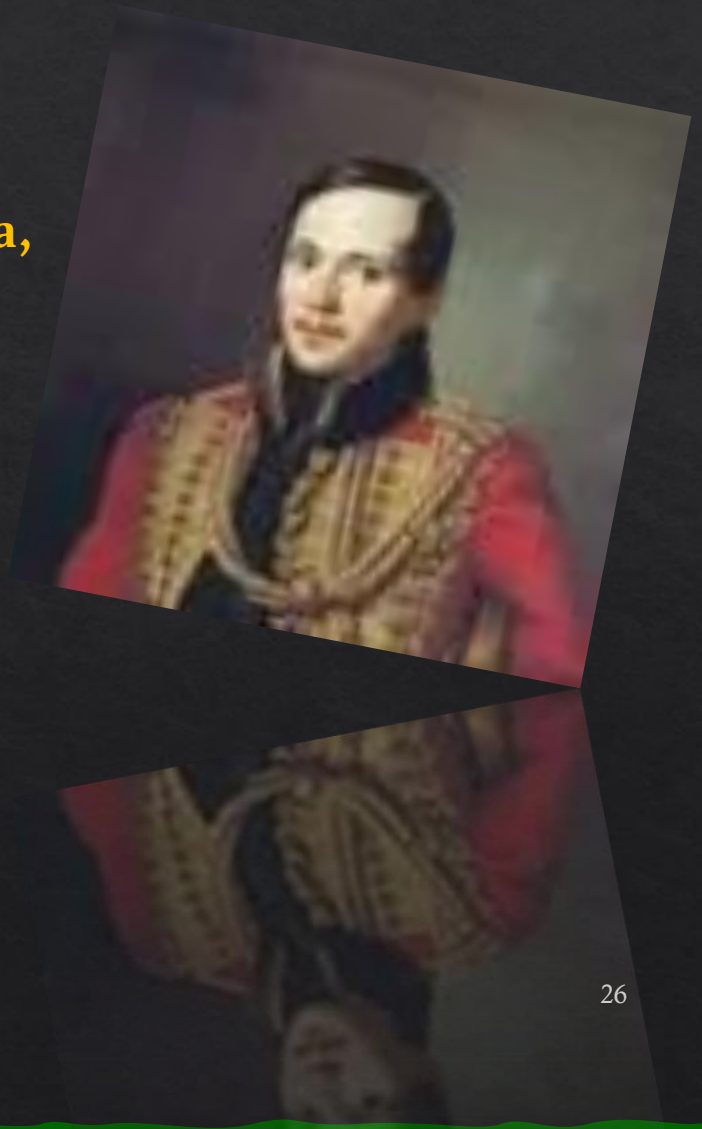
Torri splendenti  
dipinte d'oro  
e di sangue  
attendono:  
con stanze d'oro  
e tappeti  
di sangue.

# Михаил Лермонтов

## Смерть поэта

Отмщенье, государь, отмщенье!  
Паду к ногам твоим:  
Будь справедлив и накажи убийцу,  
Чтоб казнь его в позднейшие века  
Твой правый суд потомству возвестила,  
Чтоб видели злодеи в ней пример.

Погиб поэт! — невольник чести —  
Пал, оклеветанный молвой,  
С свинцом в груди и жаждой мести,  
Поникнув гордой головой!..  
Не вынесла душа поэта  
Позора мелочных обид,  
Восстал он против мнений света  
Один, как прежде... и убит!  
Убит!.. К чему теперь рыдания,  
Пустых похвал ненужный хор  
И жалкий лепет оправданья?  
Судьбы свершился приговор!



# Where the Sidewalk Ends

## by Shel Silverstein

There is a place where the sidewalk ends  
And before the street begins,  
And there the grass grows soft and white,  
And there the sun burns crimson bright,  
And there the moon-bird rests from his flight  
To cool in the peppermint wind.

Let us leave this place where the smoke blows black  
And the dark street winds and bends.  
Past the pits where the asphalt flowers grow  
We shall walk with a walk that is measured and slow,  
And watch where the chalk-white arrows go  
To the place where the sidewalk ends.

Yes we'll walk with a walk that is measured and slow,  
And we'll go where the chalk-white arrows go,  
For the children, they mark, and the children, they know  
The place where the sidewalk ends.

# Համո Սահյան «Ինչու հիշեցրի»

Քամին սարերից  
Առաջին ձյունի  
Փռչին է բերում  
Եվ շող է տալիս  
Բոբիկ ոտներիս  
Ու փշաքաղված  
Մազերիս վրա:

Ճապիկիս փեշքից  
Ու թևքից կախված  
Մաշված,  
գույնզգույն,  
Խաշամանման  
Կարկատանները  
Պոկում է քամին,  
Խառնում ծառերից  
Թափվող խաշամին...

Խաշամ, ի՛նչ խաշամ,  
Թեժաթուխ լավաշ,  
Տավարն ուտում է,  
Ու չի կշտանում:

Ես լուռ նստել եմ  
Կապույտ մի քարի,  
Կապտել եմ ես էլ,  
Եվ կապույտ քարից  
Տարբերվում եմ ես  
Այնքանով միայն,  
Որ ես դողում եմ,  
Քարը չի դողում:  
Գյուղ տանող ճամփով  
Անցնում է հայրս,  
Ցախը շալակին:

-Յո՛ւրտ է, - հարցնում  
է:

-Տաք է, - ասում եմ:

-Քարին մի նստիր,  
Վեր կաց, - ասում է:

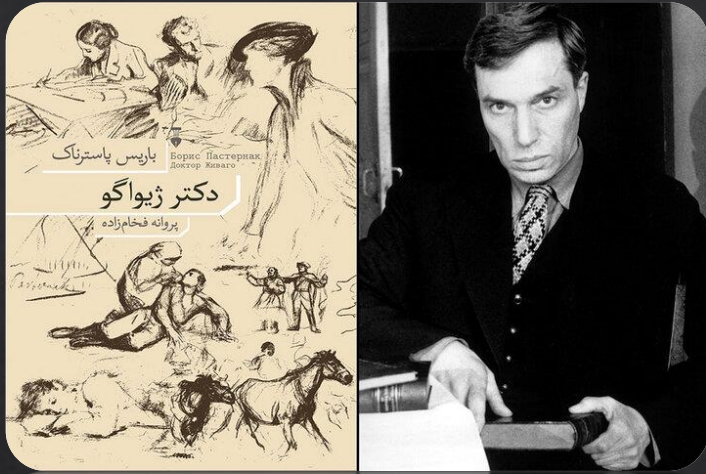
-Տավարն, - ասում է, -  
Լույսով չբերես:  
Ասում է, գնում...

Անցել է ուղիղ  
Հիշեցրի երեկ,  
Հայրս լաց եղավ:

Ինչո՛ւ հիշեցրի:

## ترجمه روسی به فارسی «دکتر ژيوآگو» منتشر شد

رمان «دکتر ژيوآگو» نوشته باریس پاسترناک با ترجمه پروانه فخم‌زاده توسط نشر نو منتشر و راهی بازار نشر شد.



به گزارش خبرنگار مهر، رمان «دکتر ژيوآگو» نوشته باریس پاسترناک به تازگی با ترجمه پروانه فخم‌زاده توسط نشر نو منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب یکی از عناوین مجموعه «کتابخانه ادبیات داستانی معاصر» است که این ناشر چاپ می‌کند و ترجمه‌اش براساس نسخه روسی سال ۱۹۵۸ انجام شده است. ترجمه‌های دیگر از دکتر ژيوآگو تا پیش از این، از نسخه‌های غیرروسی انجام شده بودند.

«دکتر ژيوآگو» یکی از آثار مهم و تاثیرگذار دوران خفقان کمونیستی در شوروی است که در نهایت با دخالت‌های سازمان‌های آمریکایی و چهره‌هایی از کشورهای غربی، به خارج از روسیه منتقل و منتشر شد. پاسترناک که تا پیش از این کتاب به‌عنوان شاعر شناخته می‌شد، نوشتن رمان را سال ۱۹۴۶ شروع کرد و ۱۹۵۶ به پایان رساند که طبق سیاست‌های شوروی، مشخص بود اجازه انتشار در روسیه را ندارد. کتاب سال ۱۹۵۷ توسط یک ناشر ایتالیایی منتشر شد و سپس ترجمه‌های دیگری در کشورهای مختلف به چاپ رسیدند. در نتیجه پاسترناک نامزد دریافت جایزه نوبل ادبیات و سپس به‌عنوان برنده شد اما به دلیل فشارهای حزب کمونیست، از دریافت جایزه انصراف داد. در نهایت سال ۱۹۸۸ بود که نسخه روسی «دکتر ژيوآگو» در روسیه عرضه شد.

مشروح ماجرای نوشتن و چگونگی عرضه «دکتر ژواگو» در کتاب «ادبیات علیه استبداد (پاسترناک و ژواگو)» با تالیف و گردآوری پتر فین و پترا کووی روایت شده که سال ۱۳۹۶ با ترجمه بیژن اشتری در ایران عرضه شد. البته نام اصلی این کتاب، «امور ژواگو: کرملین، سیا و نبرد بر سر کتاب ممنوع» است. به هر حال «دکتر ژواگو» آینده‌دار زندگی خود پاسترناک است؛ مردی شاعر که البته در داستان، دکتر هم هست و نسبت به دو زن، عشق و علاقه دارد. بستر زمانی قصه هم انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و جنگ داخلی سرخ و سفید این کشور است.

باریس لئونیدوویچ پاسترناک متولد ۱۰ فوریه ۱۸۹۰ در مسکو بود و یک سال و نیم پس از پایان دادن به جنجال گرفتن یا نگرفتن جایزه نوبل، در ۳۰ مه ۱۹۶۰ درگذشت.

در نسخه روسی به فارسی این رمان، از نقاشی‌های لئونید آسیوویچ پاسترناک استفاده شده است. محمدرضا جعفری ویراستار این ترجمه می‌گوید ترجمه فارسی سروده‌های یوری ژواگو که در متن کتاب قرار دارند، با ۳ ترجمه انگلیسی این اثر مقابله شده است؛ اول ترجمه کریستوفر بارنز (استاد زبان‌ها و ادبیات اسلاو در دانشگاه تورنتو)، ریچارد پی‌ویر و لاریسا ولوخونسکی، دوم ترجمه نیکلاس پاسترناک اسلیتر (خواهرزاده پاسترناک) و لودیا پاسترناک (خواهر پاسترناک) و سوم، ترجمه فارسی منتشر شده صوفیا محمودی. جعفری می‌گوید «بیان بلاغی سروده‌ها از این قلم است، با پذیرش مسئولیت آن. پیدا است که تمرکز این قلم نه بر رعایت وزن و قوافی، که بر بلاغت و ایجاد وزن درونی و استحکام بلاغی شعرها بوده است.»

مان «دکتر ژواگو» در ۲ بخش اصلی یعنی «کتاب اول» و «کتاب دوم» تدوین شده که کتاب اول دربرگیرنده فصول اول تا هفتم است و کتاب دوم نیز فصول هشتم تا پانزدهم را شامل می‌شود.

این کتاب با ۷۲۲ صفحه، شمارگان هزار و ۱۰۰ نسخه و قیمت ۷۵۰ هزار تومان منتشر شده است.

## تاریخ پیش از سینما

تاریخ سینما ۱۲۸ سال قدمت دارد، از آخرین سال‌های قرن ۱۹ تا آغاز قرن ۲۱. تصاویر متحرک به تدریج از کاروان‌های شادی شروع شد و تا آنجا پیشرفت کرد که به یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطات و تفریحات و رسانه پر تعداد قرن ۲۰ تبدیل شد. تصاویر متحرک فیلم‌ها تحت تأثیر دو عامل هنر و تکنولوژی بوده است.



## پیش از سینما

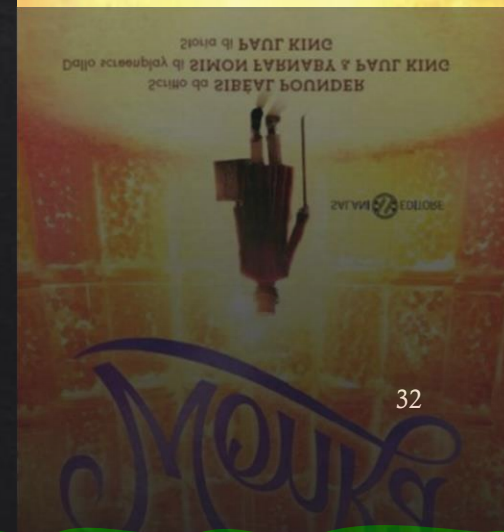
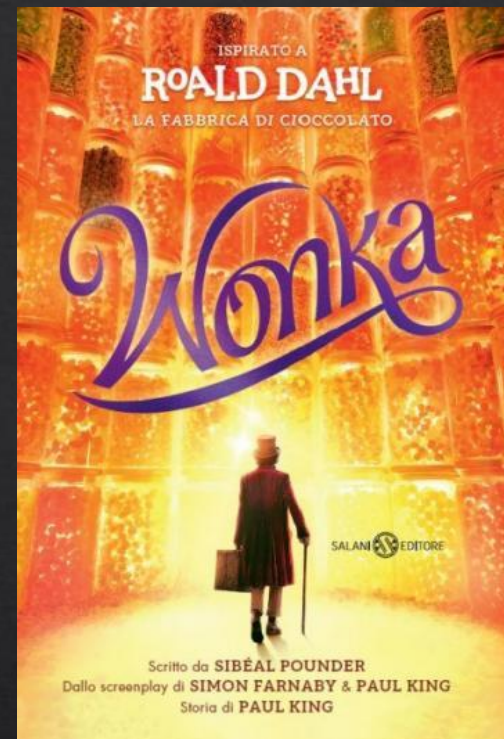
مایش و رقص مؤلفه‌های مشترک بسیاری با فیلم داشت، از قبیل متن نمایش، نورپردازی، طراحی لباس، تولید، کارگردانی، بازیگری، بینندگی، مستمعین و درجه‌بندی. سابقه دو هنر فوق به هزاران سال قبل از فیلم بر می‌گردد. بسیاری از اصطلاحات فنی این دو حوزه نیز در آینده در نظریه و نقد فیلم بکار رفت مثل اصطلاح میزانشن.

قدمت جعبه به ابن هیشم در کتابی از او با نام کتاب المناظر بر می‌گردد (۱۰۲۱م، قرن پنجم) و بعدها این دستگاه توسط گیامباتیستا دلا پارتا در سال ۱۶۰۰ تکمیل شد. نور توسط یک سوراخ کوچک یا یک لنز در خارج از آن برعکس می‌شود و بر روی یک سطح صاف یا صفحه نمایش داده می‌شود، در سال ۱۷۴۰ و ۱۷۴۸ دیوید هوم در مقالات رساله‌ای درباره‌ی طبیعت آدمی و پرس و جویی درباره‌ی فرایند فهم در آدمی به بحث درباره‌ی مشارکت و انگیزش مایه خیال بوسیله تصاویر می‌پردازد که عده‌ای گمان می‌کنند که اولین ارجاعات در مورد زبان فیلم است.

Quali sono i film del 2024 tratti da libri che ci attendono al cinema? Tra romanzi, thriller, drammi, storie d'amore e opere di fantasia, ecco una panoramica delle uscite cinematografiche dell'anno a venire. Si va da "Estranei" a "Povere creature!", da "Dune – Parte 2" a "Confidenza", passando per il "Conte di Montecristo", "La coda del diavolo" e...

Giunti ormai agli ultimi giorni dell'anno ci si proietta già in quello nuovo, con desideri e buoni propositi, ma anche con curiosità verso il futuro. Per le lettrici, i lettori e gli appassionati del grande schermo, abbiamo quindi pensato a questa incursione nei film del 2024 tratti da libri che sono già stati annunciati o che sono attesi per l'anno a venire, così che ci si possa iniziare a creare un piccolo calendario di uscite al cinema e di letture che le anticipino o le accompagnino.

Del resto, da sempre l'immaginario letterario ha affascinato i registi e in generale il mondo del cinema (a proposito, qui trovate il nostro speciale con oltre 120 storie che hanno ispirato altrettanti film, in cui sono presenti tantissimi classici e opere cult!).



Ma torniamo al presente: il mondo del cinema negli ultimi anni ha vissuto diversi di momenti di incertezza, prima a causa delle chiusure delle sale dovute alla pandemia di Covid-19, e poi per via degli scioperi (oltreoceano) del settore. Per questa ragione alcuni film previsti al cinema nel corso del 2023 sono slittati all'anno prossimo, e poiché non tutte le uscite sono state ancora recuperate è possibile che alcune delle date già preannunciate per il 2024 possano slittare all'anno seguente; o che, al contrario, vengano annunciati a breve nelle sale film di cui ancora non si conosce la data di fine lavorazione.

Ecco quindi una piccola panoramica (in aggiornamento) dei film del 2024 che hanno tratto ispirazione del mondo dei libri (romanzi classici e contemporanei, thriller, gialli, saghe fantasy o di fantascienza) da appuntarsi sull'agenda nell'attesa di un anno che ci auguriamo possa essere dedicato anche alla lettura e alle uscite al cinema: Prima di iniziare con le nuove uscite del 2024 partiamo con un film arrivato nelle sale questo dicembre che ci accompagnerà nei cinema anche nei primi giorni del nuovo anno: parliamo *Wonka* (che nel cast presenta anche Timothée Chalamet e Olivia Colman), diretto da Paul King. La magia di Roald Dahl torna sul grande schermo: fin da quando era bambino, Willy Wonka sapeva di voler creare meraviglie con il cioccolato. Quando passano gli anni e si ritrova finalmente davanti alla famosa Galleria Gourmet, sede delle botteghe dei tre più rinomati cioccolatieri della città, ben presto scopre che il trio non è l'amichevole compagnia che sperava di trovare. Willy avrà bisogno del potere dell'immaginazione e di un sorprendente gruppo di amici per portare al mondo le sue straordinarie creazioni. Una vicenda – prequel de *La fabbrica di cioccolato* – che parla di sogni, amicizie improbabili e dolci spettacolari, basata su *Wonka*, firmato dall'autrice bestseller Sibéal Pounder, in uscita per Salani il 3 gennaio.

## موسیقی

### چه پیچیدگی هایی برای نگارش آثار کرال ایرانی وجود دارد؟

خصلت های ملودی های فولکلور و حتی ردیف ایرانی این است که گستره صوتی وسیعی ندارند و خیلی کوتاهند. بنابراین توانمندی پرورش آنها چالش بزرگی برای آهنگساز است. و بزرگترین مشکل اینجاست. اینکه چگونه آن پرداخت گردد که به قطعه ای پنج یا شش دقیقه ای تبدیل شود؟ نکته بعدی آوردن این ملودی در یک فضای پلی فونیک است. پلی فونی جوابگوی فضای نوگراتر ایرانی میتواند باشد. هارمونی با بهره گیری از چند آکورد خیلی جوابگوی آن ملودی ها نیست. موضوع دیگر این است که آهنگسازان ایرانی نسبت به تکنیک های کر نویسی شناختی ندارد. چرا که متأسفانه در دانشگاه به تربیت آهنگساز کرال نویس اهمیتی داده نمی شود. و در شیوه نگارش روی اشعار فارسی، که و کال هایی دارد مانند- که قشنگ هم تلفظ نمی شود، چه خلاقیت هایی باید انجام بگیرد؟! پس کار کردن با متن از دیگر چالش هاست.

تجربه ای شخصی دارم که در سال ۱۳۶۸ که به ایران بازگشتم، می خواستم تحولی ایجاد کنم، بنابراین تصمیم گرفتم با مشورت زنده یاد فریدون ناصری و با توجه به علاقه ای که به موسیقی محلی ایران داشتم قطعات سمفونیک نسبتاً کوتاه ۳-۵ دقیقه ای روی تم های محلی گرگانی، دزفولی، خراسانی، گیلانی و بلوچی بنویسم که از آن مجموعه، آثار گرگانی خیلی مورد استقبال قرار گرفت و فراوان اجرا شد. این آثار تاثیر خوبی بر مسئولین موسیقی آواز آن دوره گذاشت که بیش از سرود چیزی می شنیدند.

کتاب موسیقی کرال ایران

نویسنده: حمید عسکری رابری

## کهن ترین شکل حکومت ها

### پادشاهی

کهن ترین شکل حکومت، پادشاهی است. در عصر جدید با پیدایش و گسترش حکومت های دموکراتیک این نوع شکل حکومت با چالش جدی مواجه گردید. امروز کشورهایی نظیر انگلیس، فنلاند، بلژیک و چند کشور دیگر (البته متفاوت از شیوه کلاسیک آن و بیشتر با جنبه تشریفاتی) پادشاه و شکل پادشاهی در کنار اشکال دیگر وجود دارد. شکل حکومت پادشاهی را به چهار نوع :

۱- موروثی

۲- انتخابی

۳- استبدادی و مبتنی بر قانن اساسی تقسیم کرده اند. نوع طبیعی پادشاهی، شکل موروثی آن بوده است. پادشاهی انتخابی به گذشته ها تعلق داشته است؛

امپراتوران نخستین روم و پادشاه لهستان انتخاب می شدند. در ایران نادرشاه تقریباً به شیوه انتخابی پادشاه شد. پادشاهی استبدادی نوعی شکل از حکومت بود که در آن پادشاه رئیس واقعی دولت بود. لوئی چهاردهم مدعی بود: دولت منم. پادشاهی محدود یا مشروطه سلطنتی. نوعی از پادشاهی است که قانون اساسی قدرت پادشاه را محدود میکند. انگلیس، بلژیک و نروژ، شکل حکومت پادشاهی محدود حاکم است.

## حکایت ها

### حکایت پند آموز خطر سلامتی و آسایش

«آورده اند روزی حاکم شهر بغداد از بهلول پرسید: آیا دوست داری که همیشه سلامت و تن درست باشی؟ بهلول گفت: خیر زیرا اگر همیشه در آسایش به سر برم، آرزو و خواهش های نفسانی در من قوت می گیرد و در نتیجه، از یاد خدا غافل می مانم. خیر من در این است که در همین حال باشم و از پروردگار می خواهم تا گناهانم را بیامرزد و لطف و مرحمتش را از من دریغ نکند و آنچه را به آن سزاوارم به من عطا کند.»





مرا نمی خواهی؟  
مرا نمی خواهی  
افسوس باید باز بکشم بار قلبم را  
با درد و با اندوه  
آن سان که سگی باز می کشد تا لانه  
اشکریزان  
پایش را  
که از جا کنده است قطار...

#ولادیمیر\_مایاکوفسکی  
از کتاب #ابر\_شلوارپوش  
ترجمه: #مدیا\_کاشیگر

# بهداشت دهان و دندان

## اصول رعایت بهداشت دهان و دندان

بهداشت دهان و دندان اصولی دارد که رعایت کردن آن باعث جلوگیری از پوسیدگی دندان‌ها و ناراحتی‌های پیرامون آن می‌شود. این اصول شامل:

### مسواک زدن

گاهی پیش آمده که شما به‌طور مرتب از مسواک استفاده می‌کنید و به مسواک زدن اهمیت می‌دهید؛ اما باز هم بعد از مدتی به دندان‌های شما آسیب وارد شده و یا دهان شما بد بو است و احساس می‌کنید که آن‌طور که باید دندان‌های شما تمیز نشده‌اند و این نشان‌دهنده این است که شما زحمت مسواک زدن را کشیده‌اید؛ اما این کار را به‌درستی و با اصول مناسب انجام نداده‌اید؛ در مسواک زدن به نکات زیر دقت فرمایید:

همیشه قبل از مسواک زدن دهان خود را خیس کنید.

از سالم بودن مسواک و موهای مسواک خود مطمئن باشید

مسواک شما زیاد نرم و یا خیلی سفت نباشد

در هنگام مسواک زدن، باید مسواک را روی سطح جونده دندان‌های خود به‌صورت رفت و برگشتی حرکت

داده و در سطوح خارجی با زاویه‌ای ۴۵ درجه نسبت به لثه خود مسواک را دست بگیرید.

هرگز سطوح داخلی دندان‌های خود را فراموش نکنید  
حتماً روی سطح زبان خود را نیز با مسواک کشیدن روی آن، تمیز کنید.  
مدت زمان استاندارد برای مسواک زدن بین ۲ الی ۵ دقیقه است  
هیچ‌گاه مسواک را روی دندان‌های خود فشار ندهید؛ زیرا این کار باعث عقب رفتن لثه‌ها و بالا  
رفتن حساسیت دندان‌ها خواهد شد.  
بعد از مسواک زدن حتماً به خوبی مسواک خود را تمیز بشوید و درجایی خشک نگهداری  
کنید  
از خمیردندان‌های حاوی فلوراید استفاده فرمایید

### نخ دندان یکی از مهم‌ترین اصول بهداشت دهان و دندان

یکی از مهم‌ترین اصولی که می‌تواند بسیار در بهداشت دهان و دندان شما مؤثر باشد، استفاده  
صحیح از نخ دندان است که البته زیاد توجه خاصی به آن نمی‌شود؛ بین دندان‌ها محل مناسبی است  
برای باقی ماندن مواد غذایی و بعد از آن رشد انواع باکتری که با فعالیت این باکتری‌ها اسیدی  
تولید می‌شود که روی دندان‌ها و بوی دهان بسیار تأثیر بدی دارد و می‌تواند در سطح دندان‌ها  
حفره‌هایی را ایجاد نماید. شما با استفاده از نخ دندان بعد از هر وعده غذایی و یا در پایان روز،  
می‌توانید از این اثرات مخرب و از پوسیدگی دندان‌های خود جلوگیری نمایید.

## Հայկական սփյուռք

հայերի համայնքներն են, որոնք բնակվում են Հայաստանի և Արցախի Հանրապետությունների սահմաններից դուրս: Հայերի ընդհանուր քանակը ամբողջ աշխարհում խոշորացված հաշվարկներով կազմում է 10-12 միլիոն մարդ, ընդ որում Հայաստանի Հանրապետության մշտական բնակչությունը 2011 թվականի մարդահամարի տվյալներով կազմում է 3 018 854, որից 2.961.801-ը (98 %-ը) հայեր են, իսկ ԼՂՀ մշտական բնակչության թիվը 2005 թվականի մարդահամարի տվյալներով կազմում է՝ 137,74 հզ., որից հայեր են՝ 137,38 հազարը: Հայկական սփյուռքի քանակը կազմում է մոտ 8-9 միլիոն մարդ: Նշված թվերը խոշորացված հաշվարկի արդյունք են և ներառում են հայկական ծագմամբ անձանց և կիսով չափ հայերին: Անգամ առավելագույն գնահատականներով (Հայաստան և Արցախ՝ 3,000.0 հազար, Ռուսաստան՝ 2,500.0 հազար, ԱՄՆ՝ 1,500.0 հազար, Ֆրանսիա՝ 800.0 հազար, այլ երկրներ՝ ոչ ավելի, քան 2,000.0 հազար) թվաքանակը չի հասնում 10 միլիոնի: Ցածր նախահաշվով հայերի թվաքանակը մոտենում է 7 միլիոնի, որից հայալեզու են 6 միլիոնը: 1989 թվականի հայերի բաշխվածությունը (վեցից յոթ միլիոնի շրջանում)՝ 3,083,000 հայ Հայաստանում և 1,540,000 հայ ԽՍՀՄ մյուս հանրապետություններում (ըստ մարդահամարի), և տարբեր հաշվարկներով սփյուռքահայերի քանակը գնահատվում էր 1,700,000-2,200,000 մարդ:

پیوسته همان رنج تحلیل‌ناپذیر را به‌تنهایی تحمل می‌کرد و پیوسته در تنهایی به همان معمای ناگشودنی می‌اندیشید. «یعنی چه؟ آیا به راستی باید مرد؟» و ندای درونش جواب می‌داد: «بله، حقیقت است و باید مرد.» می‌پرسید: «ولی آخر این همه رنج برای چیست؟» و ندا جواب می‌داد: «دلیلی نیست! برای هیچ!» و همین.



مرگ ایوان ایلیچ  
لئو تولستوی

# The Best Twenty-First-Century Poems Everyone Should Read

By Dr Oliver Tearle (Loughborough University)

Poetry continues to be an important force in the world in the twenty-first century, and is arguably reaching, and being enjoyed by, more readers than ever before, as the rise of Instagram poetry and prominent YouTubers demonstrates.

But what are some of the best poems of the twenty-first century – the best poems of the century so far, anyway – which the poetry novice should read to get a sense of how poetry is being kept alive, and developed, in the present century?

## 1. Michael Donaghy, 'Black Ice and Rain'.

Published in 2000 in his collection *Conjure*, this poem is the earliest on this list, appearing at the very beginning of the current century. Donaghy's early death, aged just 50, in 2004 robbed the poetry world of more of his poetry, but 'Black Ice and Rain' stands as one of the greatest dramatic monologues, spoken by a man at a party who tells a stranger his sorry tale.

This poem takes in everything from religious belief to personal tragedy, treating them with postmodern irony and using a car crash caused by 'black ice and rain' as the focus.

## 2. Imtiaz Dharker, 'A Century Later'.

Dharker was born in 1954; 'A Century Later' was published in 2014 in Dharker's collection, *Over the Moon*. Dharker was born in Lahore, Pakistan and grew up in Scotland. As well as being a poet, she's a documentary filmmaker concerned with social justice and political causes.

In its harrowing description of a young schoolgirl finding herself in the firing-line just for going to school, which recalls Malala's remarkable journey, 'A Century Later' reminds us that many parts of the world are still ravaged by war, and women – and young girls trying to get an education – find themselves caught up in this nightmare world.

## 3. Simon Armitage, 'The Shout'.

This poem from 2002 by the current Poet Laureate of the United Kingdom takes a memory from the poet's schooldays and then turns on a tragedy or incident which brings the earlier memory into clearer focus.

Here, the speaker of the poem is remembering a school exercise that involved him and another boy who had to walk further away and keep shouting, until he was out of earshot.

Twenty years on, and in Australia – just about as far away as it's possible to get from Yorkshire where Armitage grew up – the poem takes a surprise, tragic turn ...

#### 4. Carol Ann Duffy, 'Text'.

This poem treats that most twenty-first-century of activities: text-messaging. Aptly, the poem is short and telegraphic, like a text message, presented in short, clipped couplets. It's also a touching poem, marked by that quiet desperation of something lost or unattainable, a quality which characterises much of Duffy's greatest work. First published in *Rapture* (2005).

We have analysed this poem here.

#### 5. Don Paterson, 'Rain'.

Published in the *New Yorker* in 2008 and written by one of Britain's leading contemporary poets, this poem is a meditation on the various uses of rain in films, written in rhyming (and half-rhyming) tetrameters. Paterson has expressed the opinion that the more complex an idea or emotion is, the more onus there is on the poet to express themselves clearly.

'Rain' is a fine example of such an attitude to the poet's craft and responsibility: describing his own fondness for films that 'start with rain' or open with shots of a 'downpour', Paterson goes on to say that even the worst or overly long film can 'do no wrong' in his eyes, if it opens with rain on a 'starlit gutter'. The triplet with which the poem concludes is beautifully effective.

## مصاحبه

“از بین معاصرین شما، آیا کسی هست که علاقه و توجه شما را برانگیزد؟”

سلین: “نه! هرگز! یه وقتی به این حضرات توجه داشتم. برای اینکه از فرار کردنشان از جنگ باز دارمشان! اونها از جنگ فرار نکردند و در عوض با سربلندی و افتخار بازگشتند. اما خوب، همینها، بعدا باعث شدند که من بروم زندان. توی دردسرها با اونها شریک شدم. گرچه من نمی‌بایست اینطوری توی دردسر می‌افتادم، باید فقط از دست خودم می‌کشیدم.”

“هایی هست که شما “ها و “انگیزش“ در آخرین کتابتان، “احساس کند. “را افشا میکند؟”

سلین: “آدم می‌تواند خودش را باز کند. مهم نیست چگونه. . این که کار مشکلی نیست.”

من بلد نیستم چطوری با زندگی بازی کنم. من یک برتری‌ها و ترجیح‌های مشخصی دارم بر دیگران. دیگرانی که -باری، به هر جهت- پوسیده‌اند و تباه شده‌اند. چرا که همیشه با زندگی بازی کرده‌اند. یعنی فقط خورده‌اند و نوشیده‌اند.



من بلد نیستم چطوری با زندگی بازی کنم. من یک برتری‌ها و ترجیح‌های مشخصی دارم بر دیگران. دیگرانی که -باری، به هر جهت- پوسیده‌اند و تباه شده‌اند. چرا که همیشه با زندگی بازی کرده‌اند. یعنی فقط خورده‌اند و نوشیده‌اند.

“در کدامیک از نویسندگان، استعداد  
و هنری سراغ دارید؟”

سلین: “به نظر من سه نفر بودند که در دوره‌های  
بزرگ، نویسنده به شمار می‌آمدند: “موراندا”  
(MORAND)، “رامز” (RAMUZ) و یکی هم “بارباس”  
(BARBUSS). اینها دارای اون “حس” و “انگیزش” که ازش حرف  
زدم، بوده‌اند. گویی برای همین کار ساخته  
شده بودند. اما بقیه قلم‌زن‌ها، برای نویسندگی  
ساخته نشدند. همینطوری - فی سیل الله - شاید  
و دورو تشریف دارند! یک باند شاید! و  
اونوقت همین حضرات، آقا و جلودار هم  
هستند و می‌فتند جلو!”



“یعنی اینطوری می‌خواهید بگویید که هیچ‌چیز  
درونی و پیچیده‌ای توی آخرین کارتان نیست؟”

سلین: “نه! چیز درونی و پنهان که نه! البته یک چیز - و  
فقط یک چیز - وجود دارد و آن اینکه من بلد نیستم  
چطوری با زندگی بازی کنم. من یک برتری‌ها و  
ترجیح‌های مشخصی دارم بر دیگران. دیگرانی که - باری،  
به هر جهت - پوسیده‌اند و تباه شده‌اند. چرا که همیشه با  
زندگی بازی کرده‌اند. یعنی فقط خورده‌اند و نوشیده‌اند.  
مجموعه‌ای از این قبیل - به اسم زندگی - که از این تن  
دیگه چیزی برای آدم باقی نمی‌گذارد - یا اگر بگذارد،  
کمی بیشتر از هیچ خواهد بود! خود من، بازیگری  
نمی‌دانم. بازیگر نیستم هرگز و ابدًا. بنابراین آن غرایزی  
که گفتم، توی من درست عمل می‌کنند. بله، من بلدم که  
از اونها چگونه و کدام را انتخاب کنم و چگونه آنها را  
مزه کنم و بچشم. من فقط فرصت یک بار زندگی کردن  
را دارم. توی همین فرصت یکباره است که باید آرامشی  
بیابم و بعد تنها رها شوم در خودم و به خودم.



“فکر می‌کنید الان یکی از نویسندگان  
بزرگ معاصر هستند؟”

سلین: “نه! هرگز!” نویسندگان  
بزرگ. . . حتی دلم نمی‌خواهد  
دور و بر این عناوین بگردم! اول  
آدم باید بمیرد و بترکد! بعد که  
ترکید، اونوقت یه عده‌ای می‌آیند  
و ماها رو طبقه‌بندی می‌کنند. بله،  
اولین قدم این است که بمیریم تا  
بعد تکلیفمان را روشن کنند. . .”

## معرفی کتاب چرا فیلسوفان نمی توانند بخندند؟ اثر کاترین فروزه



کتاب چرا فیلسوفان نمی توانند بخندند؟ اثر کاترین فروزه متون فلسفی غربی و چینی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد تا مشخص شود که چرا طنز مهمترین بخش گفتمان فلسفی نبوده است. کاترین فروزه اظهار داشت که بسیاری از روایات فلسفی مربوط به خنده سعی می کنند هدف طنز را از بین ببرد و از این طریق آن را به جنبه های عمدی و هدفمند طبیعت انسانی تبدیل می کند که ما را به سمت فلسفه سوق می دهد. فروزه همچنین با تحلیل متونی که خنده و طنز را به عنوان نقاط شروع می داند، تلاش می کند فلسفه را از خنده به جای تلاش برای کشف دلایل خندیدن، تعریف کند. این کتاب پیشنهاد می کند که برای پیشبرد زندگی خوب باید به طور مداوم کشف مفروضات فلسفی از طریق طنز و خنده ضروری

باشد. فروزه می گوید درست است که خنده هر از چندی خود را به شکلی نامنتظره به تجربه روزانه ما تحمیل می کند، اما این عمدتاً متعلق است به زمان بعد از کار، یعنی هنگامی که فعالیت جدی تر روزانه به اتمام رسیده است. به عبارت دیگر، ما تمایل نداریم خنده را جدی بگیریم، بلکه خنده به سسکه ای مبدل می شود که در روال معمول کارهایمان وقفه می اندازد تا فراغتی گذرا و موقت فراهم کند و در همان حال ما را از اندیشه ها و تأملاتمان رهایی بخشد.

## Մարդուն ճանաչելու համար պետք է նրան սիրել

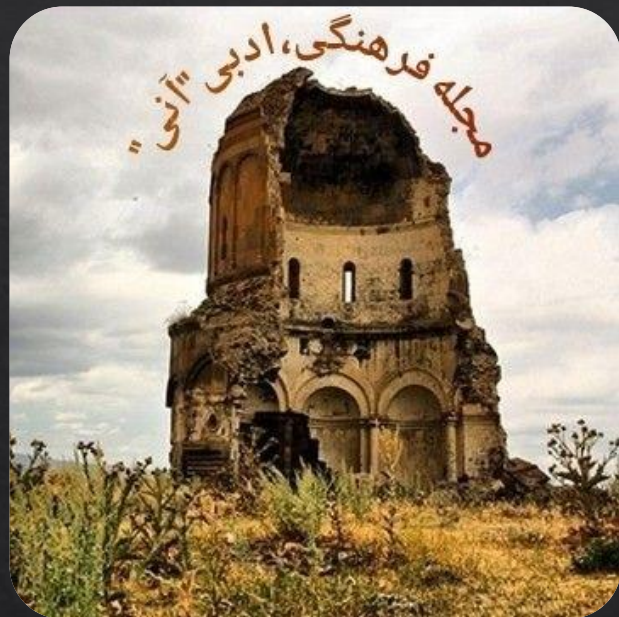
A little philosophy inclineth man's mind to atheism, but depth in philosophy bringeth men's minds about to religion. - Francis Bacon

Sono tutte quelle frasi che ti aiutano a riflettere su alcune cose che condizionano il tuo lavoro, la tua crescita e che determinano quindi le probabilità che tu raggiunga i tuoi obiettivi.

Если захочется переделывать людей — начни с себя. Это и полезнее, и безопаснее.

تفکر فلسفی یک نوع نحوه زیستن  
است نه صرفاً یک رشته دانشگاهی

برای ارسال آثار خود جهت انتشار در مجله ادبی آنی  
با شماره واتساپ و تلگرام زیر تماس حاصل فرمایید:



09223789180

هر چهارشنبه منتظر حضور شما در شبکه  
های اجتماعی و سایت رسمی مجله  
هستیم.

Instagram: @anita\_arzoomanian  
t.me/ani\_letters  
www.ani\_letters.com